نسل جوان

شیوه همسری

در خانواده نمونه



آیت الله العظمی مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

شیوه همسری در خانواده نمونه

نویسنده:

ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

نسل جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شیوه همسری در خانواده نمونه

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ –

Makarem Shirazi, Naser

عنوان و نام پدیدآور : شیوه همسری در خانواده نمونه/ مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : قم: نسل جوان، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۸۸ص.

شابک : ۵۰۰۰ریال ۹۶۴-۶۲۷۵-۲۵-۷:

یادداشت : این کتاب در سال مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس.

موضوع : زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵/م۷ش۹ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۵

شماره کتابشناسی ملی : م۸۲-۶۴۶۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

[پیش درآمد]

السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَهَٔ اللَّهِ وَ خَلیفَهَٔ آبائِهِ الْمَهْدِیّینَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ الْأَوْصِیاءِ الْماضینَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حافِظَ اسْرارِ رَبِّ الْعالَمینَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّهَٔ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَهِٔ الْمُنْتَجَبینَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللَّهِ الَّذی لایُؤْتی الّا مِنْهُ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَبیلَ اللَّهِ الَّذی مَنْ سَلَکَ غَیْرَهُ هَلَکَ

السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ الَّذی لایُطْفی

السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَٔ اللَّهِ الَّتی لاتَخْفی

اشْهَدُ انَّکَ الْحُجَّهُٔ عَلی مَنْ مَضی وَ مَنْ بَقِیَ وَ انَّ حِزْبَکَ هُمُ الْغالِبُونَ

وَ اوْلِیآ ئَکَ هُمُ الْفآئِزُوُنَ وَ اعْدآ ئَکَ هُمُ الْخاسِرُونَ

اشْهَدُ انَّکَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذی لاعَیْبَ فیهِ

وَانَّ وَعْدَاللَّهِ فیکَ حَقٌ

وَانْتَ الشَّافِعُ الَّذی لاتُنازَعُ

والْوَلِیُّ الَّذی لاتُدافَعُ

ص: ۷

پیشگفتار (برای اوّلین چاپ این اثر)

اشاره

از سوی «انجمن محبّان فاطمه- مشهد»

بسم‌اللَّه الرّحمن الرّحیم

حمد و ستایش ذات مقدّسی را سزاست که صفات جلال و جمالش را حدّی نباشد. نه انکارش می‌توان نمود و نه توصیفش می‌توان کرد. فقط او بی همتاست و کفوی برایش نیست، و برای هر پدیده‌ای جفتی آفریده است.

شکر و سپاس بر او زیبنده است که نعمتهایش از مرز شمارش بیرون و به عصیان بندگان، رحمتش را دریغ نمی‌نماید.

سلام و صلوات بر سیّد مرسلین حضرت خاتم النّبیّین صلی الله علیه و آله که بشر را از ضلالت کفر رهائی بخشیده و زنجیر اسارت تعصّبهای کور و کر کننده را از دست و پایش برداشته و او را به منزل سعادت و کمال رهنمون گشت.

ص: ۸

درود و تحیّات بی حد بر سیّد اولیا و امام المتّقین امیرالمؤمنین علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام و بر سیدهٔالنّساء همسر والامقام و ارجمندش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و فرزندان معصومش خاصّه حضرت بقیّهٔاللّٰه حجّهٔ بن الحسن العسکری علیهم السلام که با تلاش و صبر و قیام و قعودشان مشعل دین را برای همیشه پر فروغ نگهداشته و پویندگان حقیقت را از چشمه آب حیات سیراب ساختند.

ظلمت ظلمها و حق کشیها، افق عالم را تاریک و جهان را به ظلمتکده‌ای تبدیل کرده بود و آرامش و آسایش از زندگی انسانها بکلّی رخت بربسته بود و شاید در هیچ کجای زمین عدل و انصاف حاکم نبود. شعار مردم، بی عدالتی؛ و افتخار و سرافرازی، در تعدّی‌ها و تجاوزها خلاصه می‌شد و آن‌که بیشترین بار مظلومیّت را در این میان به‌دوش می‌کشید «زن» بود؛ نه تنها در شبه‌جزیره عربستان که در تمام جهان از حقوقش محروم و بلکه گویا انسان به‌حساب نمی‌آمد. البتّه عرب گوی سبقت را در این سیر قهقرائی از دیگر ملل ربوده و به آنجا سقوط کرده بودند که اگر شترانشان برّه ماده می‌زائیدند شادمان شده ولکن همسرانشان اگر دختر می‌آوردند چنان ابرو درهم کشیده و غضب نموده و با صورتی سیاه و سر در گریبان از شدّت شرمندگی از میان قوم و قبیله خود می‌گریختند و مخفی می‌گشتند (

یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَبِهِ

) مثل کسی که جنایتی بزرگ و عملی شنیع مرتکب شده و

ص: ۹

عاقبت هم این فرزند بی‌گناه را از دامان مادر دردمند و افسرده ربوده و با کمال قساوت زنده به‌گور می‌کردند و سپس مانند کسی که فتحی بزرگ نموده به محیط تاریک زندگی برمی‌گشتند.

خدا می‌داند که چقدر دختران زنده زیر خاک دفن شدند! به اجمال می‌دانیم پدرانی یافت می‌شدند که به اقرار خود تا هفت دختر خود را به این سرنوشت شوم گرفتار ساخته و بر این باور مباهات می‌کردند.

در یک چنین روزگار تیره که زندگی در آن تلخ‌تر از زهر بود، خداوند متعال بر بشر منّت گذارده و حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را مبعوث به‌رسالت کرد. یکی از اهداف آن سیّد و سرور بشر، جلوگیری از این ظلم بزرگ و احیاءِ ارزش زن بود. او با شعار ملکوتی «لا تَقْتُلُوا اوْلادَکُمْ» به میدان مبارزه با این سنّت غلط آمد و چندان مجاهده نمود تا این خوی زشت را از ضمیر آنان دور ساخت. و دانستند که دختر هم از فرزندان ایشان می‌باشد.

حضرتش دارای سه پسر شد که هر سه از دنیا رفتند. و تنها دخترش «حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» باقی ماند. در تربیت و پرورش او کوشید و زهرای مرضیّه علیها السلام در دامن پدر به مقامی رسید که او را «انسیّه حوراء» بلکه «سیّدة النّساء» و عاقبت «امّ ابیها» صدا می‌زد.

خواست به جهانیان اعلام نماید که این بانوی با عظمت با آن‌که یک زن است ولی در تمامی روی زمین همتراز و همراز و همسری برای

ص: ۱۰

او جز علیّ بن ابی‌طالب «صلوات‌اللَّه علیه» پیدا نشود که اگر او نبود هیچ مردی قابلیّت نداشت که در کنار فاطمه علیها السلام قرار بگیرد.

باری اگر زنان بخواهند جایگاه ویژه خود را بیابند و ملعبه دست هوسرانان شهوت‌پرست و بازیچه دنیاپرستان کثیف قرار نگیرند، باید زندگی سراسرافتخار حضرت صدّیقه کبری علیها السلام را الگوی خود قرار دهند- که راه سعادت همین است و بس.

و لهذا انجمن محبّان فاطمه علیها السلام- که به توفیق الهی در طیّ سالهای گذشته توانسته است شب میلاد فرخنده حضرتش را با انعقاد محفلی با شکوه گرامی بدارد- سعی وافر و عزمی راسخ داشته که همه ساله دسته گلی از بوستان فضائل و مناقب آن حضرت به‌صورت یک اثر فرهنگی تقدیم میهمانان عزیز خود بدارد بدان امید که شاید با آشنائی گوشه‌هائی از زندگی آموزنده حضرتش، پویندگان راه سعادت ره نجات را یافته، و با پیروی از فرمایشات و اعمال آن بانوی بزرگ دو عالم و با شخصیّت‌ترین زنان جهان، دردهای جامعه درمان، و زندگی به بهشتی برین مبدّل گردد.

«آمین یا ربّ العالمین»

بار سنگین این آثار ذیقیمت و ارزنده را حضرت آیةاللَّه مکارم که خداوند جزائی عظیم به ایشان عنایت فرماید و قلم شیوای ایشان را همیشه در خدمت اسلام و مسلمین و نشر آثار حیاتبخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باقی دارد، به‌دوش می‌کشیده‌اند،

ص: ۱۱

امسال هم استدعای ما را پذیرفته و بحثی شیرین و خواندنی را درباره مراسم حیاتی ازدواج و همسری در خانواده نمونه برای ما مرقوم فرموده‌اند و خدای را سپاسگذاریم که توفیق انتشارش را هم به ما عنایت فرموده، باشد که با مطالعه و عمل به آن بخشی از گره‌های کور موجود در مسأله ازدواج باز شده و این مشکل که بر سر راه بسیاری از خانواده‌ها، پدران و مادران، و جوانان به‌صورت معمّائی حل نشدنی جلوه نموده، حل گردد. «انّه ولیّ التّوفیق و حسبنا اللّه و نعم الوکیل»

انجمن محبّان فاطمه- مشهد

تاریخ: ۱۰/ ۹/ ۶۸

ص: ۱۲

ص: ۱۳

آنچه در این کتاب می‌خوانید

از مشکلات طاقتفرسائی که جامعه امروز ما با آن روبه‌رو است، مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان است که روزبه روز به‌صورت پیچیده‌تر و پر دردسرتری درمی آید.

در حالی که راه حلّ این مشکل بزرگ در اسلام به روشنی ارائه شده است، و ما به منزله کسانی هستیم که در کنار سرچشمه زلال، تشنه و از تشنگی رنج می‌بریم.

آنچه در این کتاب می‌خوانید، اشاره‌هائی به انواع مشکلات این مسأله و سپس شرح گوشه‌های جالب و ظریف و آموزنده‌ای از زندگی پرافتخار علی علیه السلام و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان رهنمونی برای حلّ آنها است.

به این ترتیب هم به «دردها» اشاره شده، هم به «طرق درمان».

ص: ۱۴

ص: ۱۵

یک مشکل بزرگ

اشاره

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به‌صورت یکی از پیچیده‌ترین مسائل حادّ اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و از این موضوع ناله نکند و رنج نبرد.

انبوهی از مشکلات طاقتفرسا این مسأله مهم و در عین حال ساده زندگی را در کام خود فرو برده، و به‌صورت هیولائی وحشتناک درآورده است.

دختران زیادی در خانه‌ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اصولی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و در برابر موانع غیرقابل عبوری مشاهده می‌کنند.

از آن سو نیز پسران زیادی سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و هنوز در خم یک کوچه، در آرزوی تشکیل خانواده‌اند،

ص: ۱۶

ولی آداب و رسوم زشت اجتماعی، و پیرایه‌های غلطی که به این امر حیاتی بسته‌اند آنها را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد.

و عجب اینکه این مسأله در خانواده‌های مرفّه و فقیر هر دو از امور پیچیـده است! چرا که هرکدام کوهی از توقّعهای غلط را بر دوش دارند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می‌زنند.

و اسـفبارتر اینکه چون پایه‌هـا از آغـاز کـج گـذارده می‌شود، بنـای بسیاری از خانواده‌ها تا گنبـد دوّار کـج می‌رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها است.

این در حـالی است که می‌دانیم «خانواده بزرگ بشـری» از همین «خانواده‌های کوچک» تشـکیل می‌شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرصـلابت باشـند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و بعکس اگر سـست و ناموزون باشد دائماً دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و بسرعت از هم فرو می‌پاشد و متلاشی می‌شود.

بنـابراین، مسأله تشـکیل خـانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشـهای صـحیح از یکسو رابطه مسـتقیم و نزدیکی با حلّ مشـکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز

ص: ۱۷

پیوند روشنی با حلّ مشکلات اجتماعی دارد.

به‌همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه‌های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود.

جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده مخصوصاً به ساختن یک بنا تشبیه شده آنهم بنائی محبوب نزد خدا چنان‌که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

ما بُنِیَ بَناءٌ فِی الاسْلامِ احَبُّ الی اللَّه مِنَ التَّزْوِیجِ.(۱)

بنائی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجّه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امنیّت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می‌شمرد، در آنجا که می‌فرماید:

وَ مِنْ آیاتِهِ انْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ انْفُسِکُمْ ازْواجاً لِتَسْکُنُوا الَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً انَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُوْنَ (۲)

یکی از آیات و نشانه‌های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبّت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه‌های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

۱- وسائل‌الشّیعه؛ جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۳.

۲- سوره روم، آیه ۲۱.

ص: ۱۸

ولی متأسّفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می‌رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودّت و رحمت باز می‌مانند، و تمام اندیشه‌ها متوجّه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می‌شود!

***

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلائل عظمت تعلیمات اسلام این است که این مسأله مهمّ زندگی را با دقّت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کژی و ناموزونی، از هیچ برنامه مؤثّری فروگذار ننموده، از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار و ارزشهای والای حاکم بر آن را مورد توجّه قرار داده، و در برابر «ضدّ ارزشهائی» که گاه از سوی وسواسان خنّاس به‌عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می‌شود هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجّه داشت رفته، و چنین می‌گوید:

اذا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْئَةَ لِجَمالِها اوْلِمالِها وُكِّلَ الى ذَ لِكَ وَ اذا تَزَوَّجَها لِدِينِها رَزَقَهُ الْمالَ وَ الْجَمالَ.(۱)

۱- وسائل‌الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۱- این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

ص: ۱۹

هنگـامی که مردی همسـری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کنـد خداونـد او را به همان زیبایی و ثروت وامی گـذارد (و از همه چیز محروم می‌شود) و هرگاه همسرش را به‌خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می‌دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

شخصـی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (و ارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

انْکَحْ وَ عَلَیْکَ بِذاتِ الدِّیْنَ تَرَبَتْ یَداکَ.(۱)

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که روزی تو را گسترده می کند!

و گاه از زنان زیبائی که در خانواده‌ای آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته‌اند و بسـیاری از مردم به‌خاطر جمال آنها از عیوبشان بکلّی چشم می‌پوشـند تعبیر به سبزه‌ها (و گلهائی) که بر «مزبله» می‌رویـد فرموده است، چنان‌که در حـدیثی از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله می‌خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خوانـد (تعبیر به «قامَ خَطِیباً» که در روایت آمده دلیل بر اهمّیّت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

ایُّهَا النّاسُ ایّاکُمْ وَ خَضْراءَ الدَّمَنِ

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله‌ها می‌روید، پرهیز کنید!

۱- وسائل‌الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۲.

ص: ۲۰

کسی عرض کرد:

ای رسول خدا!

وَ ما خَضراءُ الدَّمَنِ؟

گیاهی که به مزبله‌ها می‌روید چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

الْمَرْئَةُ الْحَسْناءُ فِی مَنْبِتِ السُّوْءِ

زنِ زیبائی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته!(۱)

این برداشت از ارزشـهای حاکم بر انتخاب همسـر کجا، و آنچه در میان گروهی رائج است که از مسأله مال و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می‌اندیشند، یعنی انتظار مرگ آنها را می‌کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گـاه در برابر موهومـاتی که مردم از نظر طبقـات اجتمـاعی به‌هنگـام ازدواج مطرح می‌کننـد و یک جوان با ایمان و پاکـدامن را به حکم آن‌که پـدرش مثلًا یـک کـارگر ساده یا کشاورز است، لایق همسـری دختر خود نمی‌داننـد، و حتّی مسائل نژادی و قبیلگی را مقدّم بر این فضائل می‌شمرند، می‌گوید:

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج کُفْوِ یکدیگرند!(۲)

این در حالی است که حتّی بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در

۱- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۵.

۲- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۱۰.

ص: ۲۱

بخش عظیمی از جهان باز گروهی از افراد بظاهر مسلمان ازدواج عرب را با غیرعرب نکوهش می‌کردند و ازدواج بنی‌هاشم را با غیر آنها عیب می‌دانستند!

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ اکُفّاءُ بَعْضٍ (۱)

مؤمنان کفو و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی‌تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد.)

ولی مگر می‌توان اینگونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتّی در میان قشرهای ظاهراً متدیّن پیاده کرده، و دهها قیود موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قائلند از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجّه اینکه در احادیث متعدّدی این مضمون از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمّه هدی علیهم السلام به چشم می‌خورد که می‌فرمایند:

اذا جائَکُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلْقَهُ وَ دِینَه فَزَوِّجُوهُ، انْ لا تَفْعَلُوهُ تَکُنْ فِتْنَةٌ فِی الْأَرْضِ وَ فسادٌ کَبِیرٌ(۲)

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می‌پسندید به خواستگاری آید او را به همسری دخترتان بپذیرید، اگر چنین نکنید فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

۱- وسائل‌الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹، حدیث ۷.

۲- وسائل‌الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۱، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

ص: ۲۲

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می‌سازد، و شاید بسیاری از مفاسد عظیم که هم امروز بر جوامع بشری حاکم است مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این احادیث نسبت به آن هشدار داده‌اند.

اسلام گاه مسائل مهریّه و جهیزیّه و هزینه‌های ازدواج را بطور کلّی مورد توجّه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملًا آشنا یعنی سعادت و تیره‌روزی مطالب لازم را در این زمینه بازگو می کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

امَّا الْمَرْئَةُ فَشُوْمُها غِلاءُ مَهْرِها(۱)

امّا شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

انَّ مِنْ بَرَکَةِ الْمَرْئَةِ قِلَّةُ مَهْرِها وَ مِنْ شُوْمِها کَثْرَةُ مَهْرِها(۲)

یکی از برکات همسر کمی مهر او است، و از شومی او زیادی مهر او می‌باشد!

این مسأله همچنان ادامه می‌یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به‌عنوان دایه انتخاب می‌شود که روحیّات و

۱- تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۲۶.

۲- من لایحضر الفقیه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

ص: ۲۳

اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می‌رسد که هر کدام از اینها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می‌شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسائل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتّی از مسائل ظاهراً کوچک غفلت نشده است.

بی بند و باری‌های ما در مسائل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقّت نظر اسلام در این مسائل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می‌اندازد که «ببین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جائی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولًا باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده‌های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت‌بار و غم‌انگیز شده، چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد و نسیه، و هزینه‌های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجمّلات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیّه که چیزی جز چشم و همچشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می‌شود و کسان دو طرف گاه تلخ‌ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدّمات آن می گذرانند!

ص: ۲۴

چه آبروهائی که بر باد نمی‌رود، چه کدورتها و دشمنی‌هائی که به‌وجود نمی‌آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده‌ها افتاده است، رخ نمی‌دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیّتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملّت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت‌بار کند!

ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده‌ایم که فکر می‌کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه‌ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ص: ۲۵

ویژگیهای خانواده نمونه

ص: ۲۶

ویژگیهای این خانواده نمونه

اشاره

این خانواده نمونه با داشتن مشخّصات زیر از هر جهت می‌تواند تابلو زنده‌ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد:

۱- از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسد:

فاطمه زهرا علیها السلام دختر دلبند او، و تنها کسی است که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی علیه السلام پسر عم و یار دیرین پیامبر صلی الله علیه و آله از نخستین روزهائی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقائق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. زهرا علیها السلام در اسلام تولّد یافت و علی علیه السلام دهساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوّت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

ص: ۲۷

ص: ۲۸

۳. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و فرمان او صورت گرفت.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنی اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلّی داشت.

نظر این است با طرح این مسأله همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چه هستیم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسّفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده‌اند، و نماز و روزه و حجّی بی محتوی و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبّر، و دعائی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می‌دهند، بی‌آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می‌تواند محک خوبی برای‌شناخت مسلمانان راستین‌از مسلمانان‌سطحی باشد.

همانها که دم از حجّ و نماز و روزه می‌زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریّه‌های میلیونی پافشاری می کنند، و حتّی برای محکم کاری و پیش‌بینی نرخ تورّم در آینده مبلغ مهریّه را از پول رائج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین

ص: ۲۹

شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات چنان خونشان به جوش می‌آید و رگهای گردنشان ستبر می‌شود که گوئی تمام موجودیّت آنها به خطر افتاده! آنها دائماً از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکّل بر ذات مقدّس او را در زندگی از دست می‌دهند.

فوراً سؤال از خانه ملکی داماد می کنند در حالی که بسیاری از جوانان حقوق‌بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می‌شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می‌روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت‌آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیّه یک مشت وسائل تجمّلی بنام جهیزیّه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک‌بار مورد نیاز قرار نمی گیرد، دوخته‌اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و انْ شاءَ اللّه نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می‌افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النّاسُ عَبِیْدُ الدُّنْیا وَالدِّیْنُ لَعِقٌ عَلَی الْسِنَتِهِمْ

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می‌زند!

یا در حدیث دیگری از رسول اللّه صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که درباره گروهی فرمود:

ص: ۳۰

آنها قرآن را می‌خوانند در حالی که

(لایَجُوزُ تَراقِیِهِمْ)

از شانه‌های آنها بالاتر نمی‌رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی‌رسد.(۱)

ولی بایـد تـوجّه داشت که این‌گونه برخورد بـا حقـائق قرآن و تعلیمـات اسـلام عواقب دردنـاکی دارد، و مجـازات الهی را به دنبـال خواهد داشت، چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

مَن قَرَأَ الْقُرآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَیْهِ حَراماً، اوْ آثَرَ حُبّاً لِلدُّنْیا وَ زِیْنَتِها، اسْتَوْجَبَ عَلَیْهِ سَخَطَ اللَّهِ، الّا انْ یَتُوْبَ

کسـی که قرآن بخواند و سـپس (بر خلاف دسـتور قرآن) مشـروب حرامی را بخورد یا محبّت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدّم دارد مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر این‌که توبه کند!(۲)

به هرحـال، هـدف این است که بخـواست خـدا، این خـانواده نمـونه در اسـلام را به‌عنـوان بهـترین سـرمشق در پایه‌گـذاری زنـدگی خانوادگی مورد توجّه قرار دهیم، و خـدا را به حقّ آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سـنّتهای حسـنه‌ای که آنها برای ما به‌یادگار گذارده‌اند، عنایت فرماید «آمین یا ربّ العالمین».

۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳. کتاب القرآن، باب ۹، ترتیل القرآن بالصّوت الحسن.

۲- بحارالأنوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۱۳.

ص: ۳۱

۱ خواستگاری عجیب

اشاره

ص: ۳۲

ص: ۳۳

نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، از مسأله خواستگاری شروع می‌شود.

در مناطقی که ما زندگی می‌کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می‌شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار می‌شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می‌گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می‌روند، و حتّی سعی می‌کنند با تعهّد جهیزیّه‌های سنگین دل آنها را به دست آورند!

در بسیاری از کشورهای غربی- و نیز در بعضی از مناطق غرب‌زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه‌ها می‌روند، دختر و پسر مشخّصات خود را در بعضی از روزنامه‌ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای

ص: ۳۴

شرایط و مشخّصاتی چنین و چنان بوده باشد اعلام می‌دارند.

و عجیب نیست که مشخّصاتی که طرفین عنوان می‌کنند، مجموعه‌ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری و مادّی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره‌مندی از زیبائی و جمال (البتّه به تشخیص خودشان) و مسائل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهائی در این راستا، چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این‌گونه جوامع حاکم نیست بلکه گاهی آنها را ضدّ ارزش یا جزء خرافات می‌شمرند و به‌باد سخریّه می‌گیرند.

اخیراً نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران و پسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می‌دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعّهد و آگاه بر آن نظارت دارند پرونده‌های محرمانه‌ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیّات معنوی و مادّی همسر مورد نظر آنها را به‌صورت کلّی ثبت می‌کنند، و طبعاً هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می‌تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البتّه ضوابطی بر این‌گونه مراکز حاکم است که جلو سوءِ استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می‌گیرد، و اگر این کار به‌طرز صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل

ص: ۳۵

خواهد کرد ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نواقص و عیوب نیست.

به هرحـال، نمی‌توان انکـار کرد که هنوز در جوامع اسـلامی ارزشـهائی که بر مسأله خواسـتگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسـر، حـاکم است شـکل اسـلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهـای مـادّی، و گـاه حتّی بر محور امور موهوم و تخیّلی و دروغین و کاذب دور می‌زند.

کمتر کسـی را می‌بینیـد که به‌هنگام خواسـتگاری دختر به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیّه احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبائی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد غالباً مسأله شـغل پردرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله‌های نقلیّه گرانقیمت و پر زرق و برق مورد توجّه قرار می‌گیرد.

این روزهـا پایه‌هـای تحصـیلی نیز مطرح است، امّـا غالبـاً منظور پایه‌هـای مـدرکی است که به دنبـال آن امکان اشـتغال و کار مطرح می‌گردد نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حـال نمی‌توان انکـار کرد که هنوز هسـتند افرادی که بیش از هر چیز به عفّت و نجـابت و ایمـان و اخلاق و حسن سـلوک و ایثار و فداکاری و صـفا و تقوای همسـر آینده خود می‌اندیشـند، و ارزش او را با این مسائل تعیین می‌کنند، ولی نمی‌توان تعیین کرد که چند

ص: ۳۶

درصد اجتماع مسلمانان امروز اینچنین فکر می کنند!

***

حال به سراغ خانواده نمونه می‌رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخّص می کنند.

در روایات متعدّدی این معنی را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می‌خوانیم:

لَوْلا انَّ اللَّهَ خَلَقَ امْیرَالْمُؤْمِنینَ علیه السلام لِفاطِمَهَٔ علیها السلام ما کانَ لَها کُفْوٌ عَلَی الْأَرْضِ (۱)

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتائی برای همسری‌اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی‌همتائی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادّی است، بلکه صرفاً ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و قرب به پروردگار و مقامات فوق‌العاده و والای انسانی است.

همین مطلب نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمّد! خداوند جلّ‌جلاله می‌فرماید:

لَوْ لَمْ اخْلُقْ عَلِیّاً لَما کانَ لِفاطِمَهَٔ ابْنَتِکَ کُفْوٌ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ، آدَمٌ فَمَنْ دُوْنَهُ (۲)

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۷، حدیث ۶.

۲- همان مدرک، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

ص: ۳۷

اگر من علی را نمی‌آفریدم کفو و همتائی برای همسری دخترت فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی‌شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

گروهی از شخصیّتهای قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه علیها السلام ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی!

فرمود:

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد!

سپس جمله فوق را بیان فرمود.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام رفتند، و پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی علیه السلام به سراغ حضرتش آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه‌های این کار نداشت!

هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می‌شود این گریه و ناراحتی به‌خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را به‌خاطر همسری با مرد تهی‌دستی همچون علی علیه السلام سرزنش کردند و زخم‌زبان زدند)،

ص: ۳۸

پیامبر صلی الله علیه و آله از علّت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمّی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می‌سازد، فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ انْکَحْتُکِ اکْثَرَهُمْ عِلْمَاً وَ افْضَلَهُمْ حِلْماً وَ اوَّلَهُمْ سِلْماً(۱)

به خدا سوگند کسی را به همسری تو درآوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده‌تری مطرح شده است. در این حدیث می‌خوانیم فاطمه علیها السلام هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

یا فاطِمَهُ، لِعَلِیٍّ ثَمانُ خِصالٍ: ایمانُهُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُوْلِهِ، وَ عِلْمُهُ، وَ حِکْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سِبْطاهُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ، وَ امْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهْیُهُ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَ قَضاؤُهُ بِکِتابِ اللَّهِ.(۲)

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب اللَّه!

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۶.

۲- همان، صفحه ۹۸.

ص: ۳۹

عقدی که در آسمانها بسته شد!

مسلّماً ازدواجی که بر پایه این‌گونه ارزشهای والا و بلند بنا می‌شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت، و دخترم را برای او بر فراز آسـمانهای هفتگانه تزویج نمود، و ملائکه مقرّبین را گواه بر آن گرفت، و او را وصیّ و جانشین من قرار داد.(۱)

دسته‌های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته‌های گل می‌برند.

جالب اینکه، در حدیثی می‌خوانیم:

جبرئیل با دسـته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت

پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بوئید و فرمود:

این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد:

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۸.

ص: ۴۰

دستور داده شده، بهشت را بیارایند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره‌هائی از قرآن مجید را برخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علیّ بن ابی‌طالب است، شما گواه باشید که من فاطمه دختر محمّد را به همسری علیّ بن ابی‌طالب درآوردم ... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک گوئید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم ...(۱)

و در حدیث دیگری می‌خوانیم که امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود:

ما زَوَّجْتُ فاطِمَةَ الّا بَعْدَ ما أَمَرَنِی اللَّهُ عزَّوجَلَّ بِتَزْوِیْجِها(۲)

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام درنیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۲(با تلخیص).

۲- همان، صفحه ۱۰۴.

ص: ۴۱

هاله حیا!

چنـانکه گفتیم امروز کار به جائی رسـیده که در کشورهای «غربی» و «غرب‌زده» پسـران و دختران برای یافتن همسـر آینـده خود در جرائـد به صورت «زننـده» و «زشتی» آگهی می کننـد، مشـخّصات اعضای بدن خود و جزئیّات آن را شـرح می‌دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد پوشش زیبای حیاء است.

در حالی که این مسأله که هنوز بر خانواده‌های مـذهبی حاکم است زن را در هاله زیبائی از قداست و پاکی قرار می‌دهد، و به گوهر گرانبهائی تبـدیل می کنـد که دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است، در حالی که حذف مسأله حیا زن را به ابتذال می کشاند و از ارزش و بهای او می کاهد.

هنوز در میـان قشـر دینـدار، معمول است که در مجـالس عقـد به هنگـام گرفتن وکالت از دختر برای اجرای صـیغه ازدواج، شـخص وکیل بایـد چنـد مرتبه پیشـنهاد وکالت را تکرار کنـد تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشـهای حاضـران منتظر شـنیدن آن است، و حیـاء مـانع می‌شود که عروس بسـرعت این کلمه را بگویـد، و به هنگـامی که این واژه کوچک آمیخته با آنهمه حیاء در فضای مجلس می‌پیچد، غریو هلهله و شادی از حاضران برمی‌خیزد.

این حیاء و شرم، به زن ارزش می‌بخشد. حال آن را با

ص: ۴۲

ازدواجهای وقیح و روزنامه‌ای مقایسه کنید که چقدر مبتذل و مسخره است!

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت معنی‌دار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکّه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که قلباً به این‌گونه پیشنهادها هرگز راضی نیست.

ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود همینجا باش تا من نزد تو برگردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد:

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ.

رسول اللّه! مطلبتان را بفرمائید.

ص: ۴۳

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تو علیّ بن ابی‌طالب را بخوبی می‌شناسی، از نظر خویشاوندی‌اش با ما، و فضائل و سابقه اسلامش، و من از پروردگارم خواسته‌ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده بود، نظر تو چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ اثر نارضائی نشان نداد،

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أکْبَرُ سُکُوتُها اقْرارُها(۱)

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او است!

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۳.

ص: ۴۴

ص: ۴۵

۲ مهریّه

اشاره

ص: ۴۶

ص: ۴۷

غوغای مهریّه

برخلاف آنچه بعضـی می‌پندارند اسلام اهمّیت کمی برای مهریّه قائل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دائم کنند، و سخنی از مهریّه به میان نیاورند هیچ مشـکلی ایجاد نمی‌شود، ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریّه‌ای همانند زنان امثال او قائل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، ماننـد بسـیاری از مسائل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است، بعضـی چنان به سـراغ مهریّه‌های سـنگین می‌رونـد و خطّ و نشـان برای آن می‌کشــند کـه گـوئی تمـام افتخـار و ارزش زن در آن خلاـصه می‌شـود، کمی مهریّـه را دلیـل بر بی‌شخصیّتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباهات و نشانه عظمت او می‌پندارند.

بسیاری از مردم چنان برای مهریّه چانه می‌زنند که گوئی

ص: ۴۸

می‌خواهند خانه و ملکی را خریدوفروش کنند، نه تنها به مهریّه‌های نسیه و در ذمّه بلکه مهریّه‌های نقدی از نوع «پول رایج» قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند و ارزش آن کاسته می‌شود.

باید حتماً «سکّه‌های طلا» و «املاک ششدانگ» و مانند آن باشد.

در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپائیها که مهریّه ندارند) بطور کلّی با مهریّه مخالفند، و آن را بی‌معنی می‌دانند؛ درحالی که مهریّه فلسفه‌هائی دارد که این گروه از آن غافل و بیخبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱

مهریّه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه است از سوی شوهر که دلیل محبّت، و نشانه جدّی بودن پیمان زناشوئی است.

۲

همه جا معمول است که زن با خود جهیزیّه‌ای به خانه شوهر می‌برد و غالباً در تهیّه این جهیزیّه گرفتار مشکلات می‌شوند، «مهریّه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیّه جهیزیّه و نشانه‌ای است از وفاداری و قبول مسؤولیّت نسبت به زندگی آینده.

۳

مهریّه می‌تواند تا حدّی خسارت اقتصادی زن را در صورت جدائی جبران کند، زیرا می‌دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می‌گیرند شانس کمتری برای ازدواج دارند تا مردان آنها.

ص: ۴۹

۴

مهریّه غیر نقدی عامل بازدارنده‌ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدّس اسلام به هیچ‌وجه حدّ و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصّی قائل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریّه‌های فراوان مادّی را شامل می‌شود، چرا که شرایط مختلفند و اشخاص متفاوتند.

در عین حال توصیه مؤکّد برای سبک کردن مهریّه نموده است چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید:

لا تُغالُوا بِمُهُورِ النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوَةً(۱)

مهریّه‌های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه‌توزی می‌شود.

مرحوم صدوق در روایت مرسله‌ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می‌کند:

مِنْ بَرَکَةِ الْمَرأةِ قِلَّةُ مَهْرِها وَ مِنْ شُومِها کَثْرَةُ مَهْرِها(۲)

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم و نامیمونی او، فزونی مهر او است.

زیادی مهر در عصر ما عمدتاً از سه عامل سرچشمه می‌گیرد:

۱- وسائل‌الشّیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۱، حدیث ۱۲.

۲- همان، صفحه ۱۰، حدیث ۸.

ص: ۵۰

۱

گاه از چشم و همچشـمی‌ها و مسابقه در این‌گونه مسائل است که افرادی از این طریق می‌خواهند به پندار خویش شخصیّت والاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

۲

گـاه از غلبه روح مـادّیگری و ارزشـهای مـادّی است که اساسـاً تمـام تلاشـهای گروهی برای رسـیدن به آن است، و از آنجا که مهر فزونتر در کوتاه مدّت یا درازمدّت درآمد بیشتری را همراه دارد آن را ترجیح می‌دهند.

۳

و بالاـخره گـاهی از عـدم اعتمـاد متقابل میان دو همسر یا خانواده‌های آنها سرچشـمه می‌گیرد، زیرا از این بیم دارنـد که زنـدگانی مشترک آن دو، دوام پیـدا نکند، و می‌خواهند این مهریّه سـنگین مانعی بر سـر راه جدائی گردد، و یا در فرض جدائی کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

مسـلّماً اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و همچشـمی‌ها و رقابتها در میان نباشـد، و نخواهنـد به‌وسـیله ازدواج تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به‌دنبال این‌گونه مهرهای کمرشکن بروند.

***

مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و

ص: ۵۱

مهریّه اسلامی را از غیر اسلامی بشناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریّه بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه‌های جهیزیّه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می گوید زره را فروختم و پول آن را در دامان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد و مشتی از آن را گرفت و به بلال داد فرمود:

با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد و فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاث‌البیت بخرید.(۱)

در حدیث دیگری آمده است که صداق و مهریّه فاطمه علیها السلام زرهی از آهن بود ...(۲)

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به‌هنگام تزویج با علی علیه السلام به چهارصد و هشتاد درهم مهر نمود.

و در حدیثی پانصد درهم آمده است.(۳)

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۴.

۲- همان، صفحه ۱۰۴.

۳- همان، صفحه ۱۲۲.

ص: ۵۲

در حدیث دیگری آمده هنگامی که سخن از کمی این مهریّه به میان آمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود: من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است!

(وَ جَعَلَ مَهْرَکِ خُمْسَ الدُّنْیا مادامَتِ السَّمواتُ و الْأَرْضُ)(۱)

این مهریّه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا علیها السلام از خود نشان داد، حتّی در حدیثی که در «مصباح‌الانوار» آمده است می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

انَّ اللَّهَ عَزَّوَجلَّ زَوَّجَکَ فاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَداقَهَا الْارْضَ فَمَنْ مَشی عَلَیْها مُبْغِضاً لَکَ مَشی عَلَیْها حَراماً(۲)

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولًا کسان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حسّاسند، همچنین کسان عروس نسبت به ثروت داماد، و لذا غالباً به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضائل

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۴۴.

۲- همان، صفحه ۱۴۵.

ص: ۵۳

اخلاقی طرفین، جستجو از ثروتهای موجود یا بالقوّه یکدیگر می‌کنند، و آن را به رخ هم می‌کشند.

از پست و مقامهای بستگان عروس و داماد سخن می‌گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوه دائی‌اش چه پست و مقامی دارد!

ولی در حدیث می‌خوانیم هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چه چیز صداق و مهریّه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم (یعنی تمام هستی مادّی‌ام).

فرمود:

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون آن نمی‌توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!

اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت ...

ص: ۵۴

ص: ۵۵

۳ جهیزیّه

اشاره

ص: ۵۶

ص: ۵۷

مسئله بغرنج جهیزیّه

همه کس فلسفه جهیزیّه را درک می کند.

دو همسر که می‌خواهنـد زنـدگی مشترک جدیـدی را آغاز کنند باید حدّاقلّ وسائل زندگی داخلی را دارا باشـند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایه ناراحتی آنها است، و هم استقلال زوجین را از بین می‌برد.

لـذا همه جـا معمول است که بسـتگان عروس، لوازم اوّلیّه زنـدگی را همراه او به خانه داماد می‌فرسـتد، و در مقابل، داماد هزینه‌های دیگر عروسـی، و حتّی بخشـی از هزینه‌های جهیزیّه را (از طریق پرداختن مهریّه نقـدی) پـذیرا می گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می‌شود.

ولی غالب مردم این حقیقت را فراموش می کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای ساده‌ای شروع

ص: ۵۸

کننـد و اگر می‌خواهنـد توسـعه دهند این کار تدریجاً صورت گیرد، مسلّماً کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبّت و دوستی و صـفا و معنویّت در چنین زنـدگی سـاده‌ای موج می‌زنـد، و ارزشـهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیّه سـنگین دفن نمی‌شود.

ولی بیا و ببین چه رقابتها و چشم همچشمی‌ها، چه تجمّل پرستیها و چه خرافات و موهومات که در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گـاه از سالیـان دراز، هَمّ و غمّ پـدر و مادر دختر تهیّه جهیزیّه است، حتّی از خوراک روز، و شام شب، بایـد بکاهنـد، تا یک جهیزیّه سنگین را تهیّه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به‌پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقـاط هنگـام فرسـتادن جهیزیّه طی یـک نمایش مسـخره و خنـده‌دار قافله حاملان جهیزیّه با یک دنیا سـروصدا به راه می‌افتد، چنان جار و جنجالی برپا می‌کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیّه برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضـی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیّه کار خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعدّدی در کنار هم می‌چینند، و به‌صورت موزه‌های تماشائی درمی‌آورند، و از فامیل و دوستان

ص: ۵۹

دعوت می‌کنند که به‌تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیّه از نظر کیفیّت و کمیّت در سطح پائین باشد عرق شرمساری بر چهره عروس و کسان او می‌نشیند، و بگومگوها شروع می‌شود، یکی طنز می‌گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و با نیشخند می‌گوید: انشاءاللّه مبارکشان باشد! دیگری از روی ترحّم می‌گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!

و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده‌ای درباره تهیّه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیّه آن از بازارها به قیمتهای گزاف، از سفر مکّه و زیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اوّل و منحصر به فرد کشیده‌اند، می‌پردازند.

کسی نیست از این افراد سؤال کند اگر جهیزیّه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیّه شده، نمایش آن بر دیگران چه معنی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی معنی چیست!

مگر ما هر وقت وسائلی برای خانه خود می‌خریم دیگران را دعوت برای تماشا می‌کنیم!

بدبختانه گاه بگومگوها و گله‌های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می‌ماند و آثار شوم و سوءِ آن در روحیّه عروس و داماد، شَهْد زندگی را در کام آنها شرنگ می‌سازد.

در حالی که می‌دانیم فلسفه جهیزیّه، آغاز یک زندگی ساده و

ص: ۶۰

آبرومند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه‌های زشت و نمایشهای مسخره و شرم‌آور.

از همه بـدتر این‌که، در چنان مجلسـی فوراً مقایسه‌ها شـروع می‌شود و جهیزیّه این دختر و آن دختر را با هم می‌سـنجند، این مقایسـه معمولًا آتش کینه و حسـد و عـداوت را در دل گروهی از حاضـران می‌افروزد، و مفاسـد دیگری را به‌دنبال دارد، چراکه همیشه کارِ بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می‌شود.

***

جهیزیّه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

حـال به سـراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیّه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیـده‌ترین مردان تاریـخ بعـد از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله رامورد توجّه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.

در بحثهـای گذشـته خوانـدیم که تمام سـرمایه مولای متّقیان علیه السـلام برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیّه» حضرت زهرا علیها السلام تهیّه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم بود(۱) و با توجّه به این‌که «درهم» تقریبا نیم‌مثقال نقره

۱- مرحوم علّامه مجلسـی در« بحارالانوار» می‌گویـد: ممکن است قیمت واقعی آن همان ۳۰ درهم بوده، ولی بعضـی از علاقه‌مندان آن را به مبلغ افزونتر خریده باشند.

ص: ۶۱

مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسائلی را که به‌عنوان جهیزیّه تهیه کردند به‌آسانی می‌توان محاسبه نمود.

از روایتی استفاده می‌شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیّه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی‌آید که تا چه حد وسائل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریّت ساده و بی آلایش و دور از هرگونه تشریفات بوده است.

صورت جهیزیّه بانوی اسلام علیها السلام و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز ارباب سیر و تواریخ نوشته‌اند که مطالعه آن انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه‌رو می‌سازد، که عظمت و شکوه بی‌نظیر و خیره کننده‌اش هر انسان آزاده‌ای را به خضوع در برابر آن وامی‌دارد.

صورت جهیزیّه‌ای که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تهیّه کردند به این ترتیب بود:

۱- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود

۲- یک سفره چرمی

۳- یک متّکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود

۴- یک عبای خیبری

۵- یک مشک آب

۶- چند کوزه

۷- چند ظرف و کاسه سفالین

ص: ۶۲

۸- یک ظرف برای آب و آب‌کشی (مطهره)

۹- یک پرده نازک پشمی

این بود مجموعه جهیزیّه زهرا علیها السلام طبق روایت.(۱)

هنگامی که وسائل فوق را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللّهُمَّ بارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ آنِيَتِهِمُ الْخَزَفُ (۲)

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک گردان!

دقّت در این اقلام جهیزیّه عجیب و تاریخی، و دعائی که پیامبر صلی الله علیه و آله به‌دنبال آن فرمود، بسیار چیزها به انسان می‌آموزد.

عظمت و شکوهی که در این جهیزیّه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرون می‌دهد، غیرقابل توصیف است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار می‌خواهد درسی بزرگ برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمّل‌پرستی و رقابتهای کمرشکن مادّی که مایه صعوبت کار ازدواج، و به‌تأخیر افتادن برنامه جوانان، و آلودگی اجتماع

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

۲- همان.

ص: ۶۳

مسلمین می گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی، صفا و صمیمیّت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی‌تکلّف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقّی می‌شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که قبلًا ذکر کردیم.

اینها همه هشداری است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم وسائل تجمّلی جهیزیّه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یک‌بار مورد استفاده قرار نمی گیرد، اصرار دارند، بلکه حتّی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حسّاسیت آمیخته با وسواس نشان می‌دهند؛ آری هشداری است به همه آنها!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امکاناتی که در آن زمان داشت، می‌توانست وسائلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی‌اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی مخصوصاً این کار را نکرد، که اگر می کرد دستور جاویدان: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ» ارزش خود را از دست می‌داد.

عجب این که، گروهی از مسلمانان این سخنان را می‌شنوند، و

ص: ۶۴

بی‌خیال از کنار آن بسادگی می‌گذرند، و گاه اسم این بی‌اعتنائی را ضرورتهای عصر و زمان می‌گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و «توهّمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که:

از خیالی صلحشان و جنگشان‌وز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحکتر این‌که، گاه برای تیمّن و تبرّک در کنار مهریّه‌های سنگین چند میلیونی، مهریّه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می‌کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیّه آن حضرت را برای تأسّی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسائل پر زرق و برق و گرانقیمت خود قرار می‌دهند.

این درست به آن می‌ماند که در کنار سفره‌ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنّتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متّقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار کودکانه و مسخره است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمّل‌پرست متعصّب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی‌آلایش‌تری دارند برای سنّت‌شکنی، و درهم کوبیدن آداب و

ص: ۶۵

رسوم غلط آماده‌ترند، آنها باید بپا خیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این سنّتهای زشت، و رقابتها و چشم و همچشمی‌های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیّت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اوّل زیربنای زندگی آنها را از اوّل کج می‌نهند، و بعد از آن تا گنبد دوّار کج می‌رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و قولًا و عملًا ثابت نمایند طرفدار مهریّه‌های معقول، جهیزیّه‌های ساده، و مراسم ازدواج بی‌تکلّف و آمیخته با صمیمیّت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علیّ مرتضی علیه السلام می‌باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیّه علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریّت الگو می‌گیرند، و به وسوسه‌های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی‌های در لباس خیرخواهی، توجّهی نمی‌کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

ص: ۶۶

ص: ۶۷

۴ خطبه عقد

اشاره

ص: ۶۸

ص: ۶۹

مراسم خطبه عقد

این مراسم نیز غالباً با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می‌باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده‌تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می‌شود که یا پیروی از یک سنّت اسلامی است، مانند خواندن خطبه‌ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام درباره اهمّیّت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می‌سازد؛ یا تبعیّت از یک سنّت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجّاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانه ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آئینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسنده نسبت به آن آشناترند، اینها

ص: ۷۰

همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی بـدبختی و مصـیبت آنجـا شـروع می‌شود که دعوت‌شونـدگان چنـان مسـابقه‌ای با هم در لباسـهای تجمّلی و آرایشـهای جلف و زننـده، و آویختن انواع زینت‌آلات به خود، می‌دهنـد که گـاه عروس در میـان آنهـا گم می‌شود! و طبیعی است که در چنین جلسـه شومی همه در اندیشه خودآرائی و خودنمائی هستند.

وای بر آن وقتی که پـای مردان نیز به بهانه‌های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران و عکّاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت و نافرمانی خدا است عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی دهند!

***

چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه‌ای برویم که راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهائی دارند.

از خطبه‌های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شروع می کنیم:

خطبه‌ای که خدا خواند؛ خطبه‌ای که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله خواند؛ و خطبه‌ای که علی علیه السلام خواند که همه معنی‌دار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

الْحَمْدُ رِدائی وَ الْعَظَمَةُ کِبْرِیائِی وَ الْخَلْقُ کُلُّهُمْ عَبِیدِی وَ امائِی، زَوَّجْتُ فاطِمَةَ امَتِی مِنْ عَلِیٍّ صَفْوَتِی، اشْهَدُوا مَلائِکَتِی

ص: ۷۱

حمـد شایسته من است و عظمت به من می‌برازد، و تمام خلق، بنـدگان و کنیزان من هسـتند، من کنیزم «فاطمه» را به همسـری «علی» درآوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله‌هـای آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برتربینان را به خاک می‌مالـد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خـدا می‌شـمرد، و جمله‌های بعد، آخرین حدّ انسان را بندگی خدا می‌شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بنـدگی حق، و افتخار علی علیه السلام را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می‌کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه‌اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریّت را می‌بندد، و تمامی فرشتگان مقرّب را گواه بر آن می‌گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آنِ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پر معنی است).

خطبه به این شرح بود:

الْحَمْدُلِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمُطاعِ فِی سُلْطانِهِ، الْمَرْهُوْبِ مِنْ عَذابِهِ، الْمَرْغُوبِ الَیْهِ فِیْما عِنْدَهُ، النّافِذِ امْرُهُ فِی ارْضِهِ وَ سَمائِهِ، الَّذِی خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَیَّزَهُمْ بِاحْکامِهِ، وَ اعَزَّهُمْ بِدِینِهِ وَ اکْرَمَهُمْ بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ- ثُمَّ انَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُصاهَرَةَ نَسَباً لاحِقاً، وَ

ص: ۷۲

امْراً مُفْتَرَضاً، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحامَ وَ الْزَمَهَا الْأَنامَ، فَقالَ تَبارَکَ اسْمُهُ وَ تَعالَى جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ کانَ رَبُّکَ قَدِیراً ... ثُمَّ انِّی اشْهِدُکُمْ انِّی قَدْ زَوَّجْتُ فاطِمَهَ مِنْ عَلِیٍّ عَلی ارْبَعْمِأَهِ مِثْقالِ فِضَّهٍ ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به‌خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به‌خاطر قدرتش در خور عبودیّت، و به‌خاطر سلطه و حاکمیّتش سزاوار اطاعت، خدائی که عذابش موجب وحشت، و پاداشهایش مایه رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدائی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عِزّت بخشید، و با پیامبرش محمّد گرامی داشت.

سپس خداوند پیمان زناشوئی را همردیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می‌فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشوئی قرار داد و پروردگار تو توانا است ...

سپس من، شما (یارانم) را گواه می گیرم که دخترم فاطمه را با مهریّه‌ای برابر ۴۰۰ مثقال نقره به همسری علی درآوردم.(۱)

۱- بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه ۱۱۹- تعبیر به ۴۰۰ مثقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روات باشد وگرنه معروف ۵۰۰ درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.

ص: ۷۳

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می‌دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشوئی می‌کند، به اهمّیّت مسأله ازدواج پرداخته و آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می‌شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیّت می‌پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذِی قَرُبَ مِنْ حامِدِیهِ وَ دَنا مِنْ سائِلِیهِ، وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ یَتَّقِیْهِ، وَ انْذَرَ بِالنّارِ مَنْ یَعْصِیْهِ، نَحْمِدُهُ عَلی قَدِیم احْسانِهِ وَ ایادِیْهِ، حَمْدَ مَنْ یَعْلَمُ انَّهُ خالِقَهُ وَ بارِیْهِ، وَ مُمِیْتَهُ وَ مُحْیِیْهِ، وَ مُسائِلَهُ عَنْ مُساوِیْهِ، وَ نَسْتَعِینُهُ وَ نَسْتَهْدِیهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَکْفِیه، نَشْهَدُ انْ لا الهَ الّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ شَهادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِیْهِ، وَ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ صَلوةً تُزْلِفُهُ وَ تُحْظِیهِ، وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِیهِ، وَ النِّکاحُ مِمّا امَرَ اللَّهُ بِهِ وَ یُرْضِیهِ، وَ اجْتِماعُنا مِمّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ اذِنَ فِیْهِ، وَ هذا رَسُولُ اللَّهِ زَوَّجَنِی ابْنَتَهُ فاطِمَةَ عَلَی خَمْسَ مِأَةَ دِرْهمٍ وَ قَدْ رَضِیتُ

ص: ۷۴

فَاسْأَلُوهُ وَ اشْهَدُوا(۱)

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گهنکاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت‌هایش حمد می‌گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می‌داند، و میراننده و زنده‌کننده خود می‌شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش موأخذه می‌کند.

من از او یاری می‌طلبم و هدایت می‌جویم و به او ایمان می‌آورم و از او کفایت امورم را می‌خواهم.

و شهادت می‌دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می‌رسد، و او را راضی می‌کند، و نیز گواهی می‌دهیم که محمّد بنده و فرستاده او است، و به او درود می‌فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره‌مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده‌تر سازد.

(امّا بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدّر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریّه‌ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده‌ام از او (این مطلب را) جویا شوید و (بر آن) گواهی دهید.

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۱۲.

ص: ۷۵

۵ جشن عروسی

اشاره

ص: ۷۶

ص: ۷۷

مراسم عروسی

یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، و در حقیقت دیدنی است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی‌رویّه خود آن شب شادمانی را به عزا مبدّل نکنند.

این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به‌عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است.(۱)

هر کس می‌تواند با اندکی اندیشه و تأمّل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا:

اوّلًا، این مراسم که با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می‌گیرد، به زندگی مشترک جدید زوجین کاملًا رسمیّت می‌بخشد، و آنها را به قبول مسؤولیّت در برابر آن جدّاً

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، باب ۴۰- از ابواب مقدّمات النّکاح.

ص: ۷۸

وادار می‌سازد، چه آنکه اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می‌شد برای هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهّدات خود را زیرپا بگذارند، و با برخورد با اوّلین مشکلات در زندگی جدید، راه جدائی را پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می‌گیرد چیز ساده‌ای نیست که به‌آسانی بتوانند از آن چشم بپوشند، یا به‌صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشوئی استحکام می‌بخشد، و به آن رسمیّت و عینیّت می‌دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می‌ماند سبب می‌شود که آن را به‌عنوان یک حادثه مسرّت‌بخش و سرورآفرین در تمام طول عمر، بدانند، و طبعاً بسیاری از مشکلات را به‌خاطر آن تحمّل کنند، و با خوشبینی به مسائل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می‌کند که با شرکت در آن، خود را در حلّ مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهیم بدانند، و با توجّه به این‌که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد سهیم شدن آنان در حلّ آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فوائد مهمّ دیگر.

ولی مشکل از زمانی شروع می‌شود که این مراسم مفید و با

ص: ۷۹

ارزش و شادی‌آفرین، با تجمّل‌پرستی، و انواع هوی و هوسها، و ولخرجیها و بی‌بند و باریها و اسراف و تبذیرها، وانواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه کاملًا معکوس خواهد شد.

شبی غم‌انگیز، با هزینه‌هائی کمرشکن، و خاطره‌ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می‌آورد.

و بالاخره شبی که آثار سوءِ آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می‌ماند.

آنچه در این زمینه می‌گوئیم مطالبی است که از دور شنیده‌ایم، و مسلّماً آنها که از نزدیک دیده‌اند به عمق این فجایع آشناترند که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده‌های تجمّل‌پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت‌شدگان، چه اینکه شب مسابقه تجمّل و خودآرائی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گرانقیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها از هفته‌ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می‌کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می‌دهند.

ص: ۸۰

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرائی می‌کنند که گوئی فراموش کرده‌اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می‌کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقتفرسائی را متحمّل شوند، و چه بسا همین مسائل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می‌شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده‌اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع رفته است!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان به هم آمیخته شوند چه مفاسد وحشتناکی به‌بار می‌آید! مسلّماً محیطی به‌وجود می‌آید «آماده» و «مملو» برای انواع گناهان، و پر واضح است که این گناهان اثر شوم خود را خواهد بخشید و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این‌گونه مجالس معنی و مفهوم ندارد، یاد خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است.

تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون‌آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفّه و بی‌درد، و طاغوتهای هر زمان، به‌خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بیحساب «عبّاسیان» از «بیت‌المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است.

در یکی از این‌گونه مراسم، خلفای عباسی به‌جای «نقل» یا «سکّه‌های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می‌پاشند (و به

ص: ۸۱

تعبیر عربها «نثار» می‌کنند) ورقه‌های کوچکی را که هر کدام سند مالکیّت یک ملک و آبادی ششدانگ! بود، بر سر عروسشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را ربود مالك یک آبادی شد (و طبعاً کسانی که در آن مجالس راه داشتند همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه‌نشین بودند).

***

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه و بی‌نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام علیها السلام با علی علیه السلام گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به محضرش شرفیاب شدند، «امّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را به شوق می‌آورد شروع کرد و گفت:

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» علیها السلام روشن می‌شد،

سپس افزود:

علی علیه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن ...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید،

ص: ۸۲

«امّ ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و امّسلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود:

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی علیه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای این مراسم) تهیّه فرمود و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارك را بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی علیه السلام فرمود:

اکنون برو و هرکس را میل‌داری برای جشن‌عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می‌گوید:

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیّت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یك بلندی قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به

ص: ۸۳

«ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می‌کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیّت بسیار زیاد بود و غذا کم!

پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعامی‌کنم خدا به این غذا برکت دهد.

مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها به چهار هزار می‌رسید، و غذا همچنان برجای مانده بود!

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر کرد و برای خانه همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «امّ‌سلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.

امّ‌سلمه می گوید:

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدّت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می‌چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

ص: ۸۴

سپس افزود:

ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و برجای باشید تا من بیایم.

علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل رفت.

چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد.

فاطمه علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:

حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در سینه او ریخت، باز فرمود:

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله پر معنی را به پیشگاه خداوند عرضه داشت:

خداوندا! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است.

خدایا! او را ولیّ خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!

سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد.(۱)

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن و پیامهای صریح و کنائی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیّتی که بر جزء جزء این مراسم زیبا و باشکوه و روحانی حکمفرما بوده، در نظر

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۵ و ۹۶(با تلخیص).

ص: ۸۵

مجسّم کنیم:

– میهمانان، تمام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر در مسجد بودند، یعنی چهار هزار نفر!

– طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسّط خود داماد.

– پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.

– غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلوای خرما به‌عنوان شیرینی.

– تهیّه شیرینی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.

– تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.

– برکت عجیب غذا به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و غذاخوردن بی‌تکلّف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.

– فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.

– و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.

– حیا و حجب فوق‌العاده عروس.

– سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو عزیز.

– اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله.

ص: ۸۶

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن هزینه‌های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون‌آمیز و آلوده شدن به‌انواع گناهان و بی عفّتی‌ها بپرهیزند.

***

سرود شادی!

در آن شب تاریخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می‌خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«امّ‌سلمه»، «معاذه» (مادر سعدبن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فاطِمَةُ خَیْرُ نِساءِ الْبَشَرِوَ مَنْ لَها وُجَهٌ کَوَجْهِ الْقَمَرِ

فَضَّلَکِ اللَّهُ عَلَی کُلِّ الْوَری‌بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِآیِ الزُّمَرِ

زَوَجَّکِ اللَّهُ فَتًی فاضِلًااعْنی عَلِیّاً خَیْرَ مَنْ فی الْحَضَرَ

فَسِرْنَ جاراتی بِها انَّهاکَرِیْمَةٌ بِنْتُ عَظِیْمِ الْخَطَرِ(۱)

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص (داشته که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۱۶.

ص: ۸۷

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی بهترین مردان جهان.

همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها- که با آهنگی نه گناه‌آلود خوانده می‌شد- پرمحتوا، آموزنده، و الهام‌بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه‌ای می‌بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنوا ساخته بودند.

***

بزم شادی کرّوبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیّه و در عالم پائین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می‌شود که در محفل کرّوبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده‌تر و با شکوهتر برپا بود:

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند.

نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند.

حوریان بهشتی سوره‌های قرآن زمزمه می‌کردند ... و گوینده‌ای از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که امروز روز جشن عروسی علی (و زهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها

ص: ۸۸

دانه‌های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت ببارد!

و فرشتگان مأموریّت داشتند دسته‌های گل بهشتی نثار کنند که جبرئیل امین (آن‌گونه که قبلًا گفتیم) یک دسته از این گلها را همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد.(۱)

آری! محفلی آنچنـان پاک و با صـفا و روحانی در روی زمین ممکن نیست جـدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقرّبین باشـد، که عالم هستی یک واحد به‌هم پیوسته و هماهنگ است.

بیایید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم‌صدا شوند.

«پایان»

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۰۲.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹